مطالعات محیطی هفت حصار شماره پنجاه و یکم/ سال چهاردهم/ بهار ۱۴۰۴
صفحات ۱۴۰-۱۲۵

پیکره‌بندی فضایی مسکن معاصر: مرور نظام‌مند مفاهیم و زمینه‌های موضوعی*

فاطمه خدادادی آق‌قلعه**، علیرضا بندرآباد ***، آزاده شاهچراغی****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۵/۲۸
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱/۱۹

چکیده

خانه نماینگر ارزش‌ها، عقاید فرهنگی و اجتماعی ساکنان است. باتوجه به توسعهٔ ابعاد مطالعات علمی و پژوهشی در زمینه‌های مختلف روانشناسی معماری به خصوص مسکن، بررسی سیر حرکت اندیشمندان و موضوعات مطالعه شده می‌تواند مؤیدی بر نیازهای تحقیقاتی آتی در حوزهٔ پیکره‌بندی مسکن و ادراک جنسیتی باشد؛ این مقاله می‌کوشد با اتخاذ روش مرور نظام‌مند، مقالات پژوهشی داخلی کشور حدفاصل سال‌های ۱۴۰۳ تا ۱۳۸۰ با محوریت موضوعی پیکره‌بندی مسکن را شناسایی و یافته‌های آن را در چگونگی تبیین این مفهوم و عوامل تأثیرگذار بر آن تحلیل نماید و راهکاری برای بهبود کیفیت مطالعات بعدی در جهت افزایش تعمیم‌پذیری برون داد مطالعات در نشریات ارائه نماید. پژوهش به روش کیفی از نوع مرور نظام‌مند انجام شد. در جستجوی اولیه با استفاده از روش «مرورنظام‌مند» چارچوب کلی مفاهیم مرتبط با حوزه پیکره بندی مسکن و ادراک جنسیتی و ارتباط معنایی میان دو حوزه، ۵۵۰۶۴ پژوهش طبقه‌بندی که ۲۷۴۷ پژوهش در گروه هنر و معماری را در برمی‌گرفت. پس از بررسی و پایش ۲۸۹ مقاله استخراج و با استفاده از از بیانیه پریزما، مستندات مرتبط با «پیکره‌بندی مسکن» که در برگیرنده جنبه‌های کالبدی و روانشناسی – ادراکی انتخاب شدند. نتایج نشان داد مطالعات در تبیین «پیکره بندی فضایی مسکن» با تاکید بر ادراک جنسیتی در سازمان‌دهی فضایی مسکن تشریح نشده است. همچنین محققان در شناسایی عوامل اثرگذار بر این مولفه بیش‌تر بر ابعاد کمی تمرکز و فارغ از جنسیت به بررسی ابعاد این حوزه پرداخته اند. ارزیابی آماری نتایج، بیانگر آن است که از میان ۱۴ موضوع شناسایی شده، تمرکز مطالعات در نشریات علمی–پژوهشی بیشتر روی مباحث «ساختارفضایی» و «تجربه‌زیسته– حس‌مکان» و اغلب به شیوهٔ کیفی (توصیفی– تحلیلی) است. نتایج نشان داد مطالعات در تبیین «پیکره‌بندی مسکن» بر روانشناختی بودن این پیوند و پیامدهای رفتاری فارغ از جنسیت تأکید شده و سازوکارهای روانشناختی عمیق در ابعاد احساسی و شناختی– ادراکی تشریح نشده است. همچنین محققان در شناسایی عوامل اثرگذار بر این پیوند بیش تر بر ابعاد انسانی و مکانی تمرکز داشته اند. خلاء تئوری ادراک جنسیتی و مکان دستیابی به نتیجه واجد انسجام نظری را دشوار کرده است.

واژگان کلیدی

پیکره بندی، ادراک، جنسیت، مسکن، معاصر، تهران.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تبیین الگوی مفهومی پیکره‌بندی فضایی مسکن معاصر تهران مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی» به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه علوم و تحقیقات است.

** گروه معماری، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران fatemeh.khodadadi@srbiau.ac.ir
*** دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری‌وشهرسازی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران(نویسنده مسئول) ali.bandarabad@iauctb.ac.ir
**** دانشیار گروه معماری، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران shahcheraghi@srbiau.ac.ir

ISSN: 2322-5602

©: IAUH
مقاله پژوهشی- مورد پژوهی
[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/hafthesar.14.51.125]

مقدمه

مرور نظام‌مند به پژوهشگر کمک می‌کند تا با تلفیق بینش خود و مطالعات مختلف موجود، دیدگاه نوینی در مورد یک پدیده ایجاد کند و او را هدایت می‌کند تا روند کلی تحقیقاتی که تاکنون انجام شده است، و نیز مباحث و سوالاتی را که هنوز بررسی نشده اند را شناسایی کند. نیل به پیشرفت در هر رشته‌ای مستلزم مطالعهٔ منظم و منطقی، تلاش برای پاسخ گویی به مسائل روز، توسعهٔ مفاهیم نظری و عملی و مطالعهٔ مستمر الگوها و روند های پیموده شده توسط اندیشمندان حوزهٔ مربوطه است تا ازآن طریق بتوان در تکمیل دانش و پیشرفت‌های آتی مؤثر واقع شوند(Karaghouli & Weerakkody ,2011). گسترهٔ علم در دنیای امروزی، حوزه های مختلفی از زندگی انسان را در برگرفته و برنامه‌ریزی بر پایهٔ علم و فناوری، تغییرات جهانی و دگرگونی های زندگی امروزی را رقم می‌زند. از آنجاکه جامعهٔ مدرن به طور فزاینده‌ای نیازمند دانش و سیستم‌های علمی هدفمند است، ایجاد تغییر در نظام علمی نه تنها در بعد کمّی، بلکه در ساختار و عملکرد نیز به چشم می‌خورد (Krohn, Layton Jr & Weingart, 2012).

معماری به عنوان فرآیندی حاصل از علم، هنر، ذوق و مهارت (سامه و اکرمی، ۱۳۹۳). شامل گسترهٔ وسیعی از حوزه‌های مختلف بوده و به عنوان شاخه‌ای از علوم چندرشته‌ای قابل تعریف است. با پیشرفت علوم مرتبط در این عرصه و تغییر در الگوها و روند معماری، شاهد ظهور مدل‌های نوآوران‌های از فنون بین رشته‌ای در این حوزه هستیم (Alhadidi & Mitcheltree, 2016 و Bayhan & Karaca, 2020). توجه به جایگاه و نقش این علوم در تکمیل بدنه‌ای منسجم از دانش معماری و سیر این رشته به سمت شیوه های جدیدی از ترکیب علوم مختلف با محوریت عملکردی، می‌تواند امری مؤثر در این حوزه به شمار آمده و جایگاه کنونی و آتی آن را تعیین کند (Chaszar & Joyce, 2016). یکی از مباحث مهم در هررشتهٔ مطالعاتی، روش متداول در پژوهش‌های آن است. پژوهشگران باتوجه به دامنهٔ وسیع رشته‌های مرتبط، از جنبه‌های متفاوت به بررسی مسائل مد نظر خود پیرامون موضوع انتخابی پرداخته و در مطالعات خود برای پاسخ به پرسش‌ها، رویکردهای متفاوتی را پیش می‌گیرند(زارعی و محمودی پاچال، ۱۳۹۸). که از اصول و منطق خاصی پیروی می‌کنند (Groat & Wang, 2013).

از آنجا که تاکنون مرور نظام‌داری در پیشینه تحقیق‌ها درباره این حوزه "پیکره بندی مسکن" در کشور انجام نشده است، مطالعه حاضر می‌کوشد ضمن تبیین، نتایج تاثیر پیکره‌بندی فضایی مسکن در حوزه مطالعات کالبدی و روانشناسی را براساس شواهد علمی در ایران به دست دهد. مرور نظام‌مند یافته‌های مطالعات مذکورکمک می‌کند تا خلاءهای مطالعاتی و چشم اندازهای پژوهش‌های آتی مشخص شود. این مقاله می‌کوشد با اتخاذ روش مرور نظام‌مند، مقالات پژوهشی منتشرشده در مجلات معتبر معماری داخلی کشور حدفاصل سال های ۱۴۰۳ تا ۱۳۸۰ با محوریت موضوعی پیکره‌بندی مسکن را شناسایی و یافته‌های آن را در چگونگی تبیین این مفهوم و عوامل تأثیرگذار بر آن تحلیل نماید و راهکاری برای بهبود کیفیت مطالعات بعدی درجهت افزایش تعمیم پذیری برون داد مطالعات چاپ‌شده در نشریات ایرانی ارائه نماید. همچنین تلاش می‌شود تا ضمن شناسایی تناقض‌ها در نتایج و خلاءهای مطالعاتی موجود، پژوهش‌های آتی به نحوی پیشنهاد شوند تا بستری برای بسط ادراک جنسیتی فراهم شود. این مقاله به میزان توانمندی پیکره‌بندی فضا در پیش‌بینی ادراک جنسیتی مبتنی بر تحلیل نحو فضا در مسکن معاصر می پردازد.

خانه، پدیده ای فرهنگی است، شکل خانه که عبارتست از فرم کالبدی و سازمان فضایی آن، شدیداً از محیط فرهنگی که خانه به آن تعلق دارد، تأثیر می پذیرد (Rapoport, 2000). اما با توجه به گستردگی مقوله فرهنگ، نیازمند محدودترکردن این مقوله به وجوه یا ابعادی هستیم که ارتباط نزدیک تری با ساختار فضای معماری داشته باشد. پنج جنبه‌ی اصلی فرهنگ، که در شکل‌گیری فضای معماری مؤثرند عبارتنداز؛ شیوه ی زندگی(نحوه‌ی انجام فعالیت‌های اصلی در فضا، چراکه سبک زندگی به سیستم فعالیت‌ها می‌انجامد)، ساختار خانواده، نقش جنسیت‌ها (جا و مقام زن)، محرمیت و نگرش به خلوت و فرایند روابط اجتماعی (لنگ،۱۳۸۱، ۱۳۷-۱۴۰). از رویکرد روانشناسی، با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگ در کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت نیز بیش از گذشته به وضعیت کیفی و کمی در مسکن توجه می‌شود. رویکرد روانشناسی، بیش از همه به دلیل اهمیت شرایط اجتماعی، نیازهای انسانی و ارتباط آن با سلامت محیط زندگی و ارزش‌های محیطی مورد توجه است. این پژوهش تلاش دارد با نگاهی دیگر و با استفاده از رویکردی ترکیبی و مقایسه‌ای میان تحلیل‌های محتوایی مقالات پر استناد منتشر شده، نقشه‌ای از دانش پیکره بندی در مسکن ارائه کند. بنابراین پرسش‌های اصلی اینگونه مطرح می شود:

چگونه می‌توان با تحلیل کمّی و کیفی مقالات علمیِ منتشرشده در حوزه پیکره‌بندی مسکن، الگویی برای تبیین وضعیت کنونی و ترسیم افق‌های آتی این حوزه در ایران ارائه کرد؟ همچنین، چرا شناسایی روندهای موضوعی و محتوایی این مطالعات می‌تواند در ارتقای جایگاه آن نزد طراحان، پژوهشگران و سیاست‌گذاران مؤثر باشد؟ بدون تردید استفاده از پژوهش‌های صورت گرفته در گذشته می تواند کمک شایانی در پژوهش‌های حال و آینده داشته باشد. در جدول (۱) به پژوهش‌هایی که زمینه اجزای کالبدی مسکن صورت گرفته اشاره شده است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/hafthesar.14.51.125]

جدول ۱- بررسی پیشینه پژوهش

	نویسنده اول	سال انتشار	عنوان
۱	جواهر کوتی	۱۴۰۲	استفاده از روش چیدمان فضا در سلسله‌مراتب ورودی خانه‌های تهران اواخر قاجار و پهلوی اول با تأکید بر محرمیت (تهران)
۲	محیا بختیاری‌منش	۱۴۰۲	ارزیابی اصول معنادهی به مشربیه تا بالکن‌های معاصر، تعامل درون و بیرون خانه‌های شهر کرمانشاه
۳	مریم عالی‌قدر	۱۴۰۲	حیاتِ حیاط: بررسی سیر تحول حیاط خانه‌های تهران در دوره معاصر و عوامل مؤثر بر آن
۴	سارا روح الامین	۱۴۰۲	واکاوی پیکربندی فضایی حوض‌خانه خانه‌های تاریخی اصفهان با استفاده از روش نحو فضا
۵	سیده مریم مجتبوی	۱۴۰۱	بررسی کارکردهای ارسی در معماری داخلی فضاهای مسکونی (نمونهٔ موردی: ارسی‌خانهٔ تهران)
۶	مهدی باصولی	۱۴۰۰	صندوق‌خانه، منظر خلوت در خانهٔ ایرانی (بررسی خانه‌های سنتی یزد)
۷	صنم طیبی خواه	۱۳۹۸	تبیین مولفه‌های موثر در احیاءگری مسکن (مورد پژوهی بالکن)
۸	مجتبی مظاهری	۱۳۹۷	تحلیل نقش حیاط در ساختار فضایی خانه‌های ایرانی با بهره گیری از روش نحو فضا (Space Syntax)
۹	سیده مهسا کامی شیرازی	۱۳۹۷	تأثیر سبک زندگی در سازمان فضایی معماری مسکونی در ایران (نمونه مورد مطالعه: آشپزخانه حد فاصل سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ هش) تهران
۱۰	حسنا ورمقانی	۱۳۹۷	بررسی تطبیقی تأثیر فرهنگ بر ورودی خانه‌های قاجاری گیلان و مازندران
۱۱	رحمانیانی یاسر	۱۳۹۵	مطالعه کمی و کیفی نقش ایوان در خانه‌های سنتی و احیاء آن در کالبد تراس (مطالعه موردی: آپارتمان‌های میان مرتبه شهر تهران
۱۲	علیرضا عینی فر	۱۳۹۳	تبیین مفهوم بیرون و درون در فضاهای مابین مسکن آپارتمانی "مطالعه موردی بالکن در سه نمونه از مجموعه‌های مسکونی تهران"
۱۳	لیلا ذاکرعاملی	۱۳۹۲	بررسی سیر تحول ایوان در خانه‌های سنتی دشت یزد اردکان از دورهٔ مظفری تا قاجار
۱۴	مسعود قاسم زاده	۱۳۸۹	جایگاه پایه‌ای اتاق در طراحی مسکن
۱۵	مینا رمضان جماعت	۱۳۸۹	جلوه‌های سنت و تجدد در فضاهای ورودی خانه‌های تهران دوره قاجار

روش تحقیق

اهمیت مرور نظام‌مند پیشینه مطالعات به عنوان روشی مهم در توسعه دانش، شناسایی عدم قطعیت یافته‌ها، تعیین خلاءها و سرفصل پژوهش‌های آتی است. پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی از نوع مرور نظام‌مند در سال ۱۴۰۳ طراحی و منطبق با دستورالعمل مطالعات مروری نظام‌مند پریزما (Moher, Liberati,Tetzlaff & Altman,2009)[1] انجام شد. در یک تحقیق کیفی برای شناسایی و تحلیل داده‌ها، رویکردهای بسیاری وجود دارد. در روش‌شناسی فعالیت‌های پژوهشی و در رویکردهای کیفی، «مرور نظام‌مند» برای پاسخ به یک سؤال پژوهشی، سنجش و بررسی نتایج پژوهش‌های پیشین بدون جهت‌گیری خاصی موردنیاز است (Strech & Sofaer, 2012). بعلاوه، در زمینه مرور نظام‌مند و فراتحلیل و در میان الگوها و شیوه‌های شناسایی و تحلیل داده‌های کیفی که کاربرد بسیاری دارند، می‌توان به روش تحلیل مضمون (Clarke & Braun,2006) و بیانیه پریزما (Page et al,2021) اشاره کرد. اهمیت مرور نظام‌مند پیشینه مطالعات به عنوان روشی مهم در توسعه دانش، شناسایی عدم قطعیت یافته ها در پیشینه مطالعات، تعیین خلاءها و سرفصل پژوهش‌های آتی است و روشی مهم در توسعه دانش شناخته می‌شود (Petticrew & Roberts,2006). مرور نظام‌مند پیشینه مطالعات بر خلاف روال سنتی مرور نقلی، روشی است که به صورت ساخت‌یافته، فرآیندی و با تعیین پروتکل‌هایی مشخص پیشینه پژوهش‌ها در موضوعی معین را در قالب مراحل پنجگانه صورت‌بندی پرسش‌ها، مرور نظام‌مند، شناسایی مطالعات مرتبط، ارزیابی کیفیت مطالعات، خلاصه‌سازی نتایج و شواهد، و تفسیر و تحلیل یافته‌ها در پاسخ به پرسش‌ها، بررسی می‌کند (Khan, Kunz, Kleijnen, & Antes, 2003)، تا ضمن خلاصه کردن یافته‌های پژوهش‌ها، تصویری کلی از نتایج این تحقیقات ارائه نماید. عدم انتخاب روش فراتحلیل در این مطالعه به دلیل وجود روش‌های متنوع گردآوری و تحلیل داده‌ها و کاربرد بیشتر آزمون‌ها و تحلیل‌های چندمتغیره و استفاده از سنجه‌های متفاوت برای اندازه‌گیری دلبستگی مکانی در پیشینه مطالعات

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.61186/hafthesar.14.51.125]

کشور بوده است. لازم به ذکر است که اگرچه در این مقاله امکان مقایسه قدرت اثرگذاری تفاوت‌های جنسیتی بر پیکره‌بندی فضایی مسکن معاصر فراهم نیست، اما نتایج پژوهشگران را یاری می‌کند تا با متغیرهای مرتبط‌تر در مطالعه این پدیده آشنا شوند. بر این اساس، از آنجا که هدف این پژوهش از یکسو شناسایی، نمایه کردن منابع حوزه پژوهش و جمع‌آوری نظام‌مند داده‌هاست، تلاش گردید تا برای جمع‌آوری اطلاعات و غربالگری مستندات از فهرست بیانیه پریزما استفاده شود. این بیانیه چک لیست مبسوطی را با ۲۷ گزینه ارائه می‌دهد که با توجه به نمودار جریانی، کار شناسایی و مرور نظام‌مند داده‌ها از ساختار منسجم و منطبق با موضوع پژوهش برخوردار می‌شود. همچنین در این روش از «شکل پریزما» برای به تصویر کشیدن مراحل مختلف بررسی متون و داده‌ها استفاده می‌شود. این شکل، اطلاعاتی در مورد تعداد مستندات مشخص شده در پایگاه‌های جستجو، تعداد مطالعاتی که وارد و یا حذف شده‌اند و همچنین اطلاعاتی مربوط به دلایل کنار گذاشته شدن آنها را ارائه می‌کند (Liberati et al.,2009). در شکل پریزما سه مرحله کلی وجود دارد که عبارتند از: شناسایی، غربالگری و واجد شرایط بودن است. پس از تعیین سوال پژوهش، پروتکل انجام مطالعه تدوین شد. جامعهٔ پژوهش شامل تمام پژوهش‌های کمی و کیفی در قالب کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با پیکره‌بندی فضایی با استفاده از کلیدواژه پیکره بندی فضایی مسکن، در پایگاه‌های علمی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، مجلات تخصصی نور، گوگل اسکولار، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، بانک اطلاعات نشریات کشور، پرتال جامع علوم انسانی و سامانه نشر مجلات علمی دانشگاه تهران در حوزهٔ پیکره‌بندی فضایی در داخل کشور در فاصلهٔ سال‌های ۱۴۰۳-۱۳۸۰ بود که ۵۵۰۶۴ پژوهش که ۲۷۴۷ پژوهش در گروه هنر و معماری را در برمی‌گرفت. از این تعداد، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۲۸۹پژوهش که به پیکره بندی فضایی مسکن پرداخته بودند، به عنوان نمونه انتخاب شدند. مجلات موجود در سامانه رتبه‌بندی شده نشریات علمی با رتبه‌بندی علمی- پژوهشی از وزارت علوم کشور ایران با استفاده از کلمه کلیدی پیکره‌بندی مسکن در دو محور مطالعات کالبدی و مطالعات روانشناسی مطابق دیاگرام ۱ استفاده شده است. جهت بررسی محوریت موضوعی مقالات از روش کدبندی که شناسایی کلمات اصلی و دسته‌بندی آنهاست استفاده شد که بدین صورت که جهت بررسی مقالات از نظر محوریت موضوعی، کلمات کلیدی چکیده و بخش مقالات کدبندی شده و پس از شناسایی عمیق موضوع، محوریت مقالات در ۱۴ گروه طبق تصویر (۱) دسته‌بندی شدند.

تصویر ۱- محوریت موضوعی مولفه‌ها در عرصه مطالعات



برای گردآوری داده‌ها از چک‌لیست ارزیابی کیفیت پژوهش‌ها بر اساس بیانیهٔ پریزما و چک‌لیست استخراج داده از پژوهش‌های پذیرفته شده استفاده شد. معیارهای ورود مقاله به مطالعه حاضر جستجو در وبگاه هنر و معماری با محدودیت‌های زیر بود: - زبان: فارسی؛ - موضوع: پیکره‌بندی فضایی مسکن؛ - نوع مدرک: مقاله؛ مجلات معتبر نمایه شده در پایگاه ISC "در حوزه موضوعی : هنر و معماری؛ معیارهای خروج مقالات از پژوهش شامل: ۱.مطالعاتی که در زمینه موضوعی هنر و معماری نیستند؛ ۲. مطالعاتی که در سایر نمایه‌های استنادی وبگاه هنر و معماری نمایه شده‌اند؛ ۳. مطالعاتی که در سایر مقوله‌های موضوعی وبگاه هنر و معماری نمایه شده اند؛ ۴. مطالعاتی که به لحاظ نوع مدرک مقاله نبودند؛ و پژوهش‌های در قالب پایان‌نامه و مقاله؛ مقاله‌های علمی- پژوهشی با متن کامل و قابل دریافت؛ چکیده مقاله‌هایی که داده‌ها را به طور کامل در اختیار قرار می‌دادند و پژوهش‌هایی که به حداکثر (بیش از ۸۰ درصد) عناوین چک‌لیست پریزما اشاره کرده بودند. در فرآیند بررسی پژوهش‌ها، پس از جست‌وجوی اولیه بر اساس کلیدواژه‌ها، تمام مطالعه‌های مرتبط با پیکره‌بندی از پایگاه‌های اطلاعاتی یاد شده توسط پژوهشگر شناسایی شد؛ سپس پژوهش‌هایی که در عنوان و چکیدهٔ آن‌ها به پیکره‌بندی مسکن اشاره شده بود وارد فهرست اولیه شد و بقیه از فهرست خارج شدند. پژوهش‌های باقیمانده وارد مرحلهٔ غربالگری شدند. معیار غربالگری عبارت بود از ارتباط با موضوع و هدف مطالعه در عنوان و چکیده و حذف پژوهش‌های غیرمرتبط و بدون متن کامل و مقاله در همایش. با توجه به معیار شایستگی در مرحلهٔ سوم؛ یعنی حذف مقاله‌ها با بررسی متن کامل آن‌ها، به علت ناکافی و نامناسب‌بودن اطلاعات و کیفیت پایین پژوهش‌ها با استفاده از چک‌لیست ارزیابی کیفیت

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.61186/hafthesar.14.51.125]

منابع، مقاله‌های مرتبط با موضوع و هدف، شناسایی و وارد مرحله مطالعه شدند. بررسی کیفی پژوهش‌ها از نظر روش اجرا و نحوهٔ گزارش دهی بر اساس بیانیهٔ پریزما (Moher and et al., 2009) انجام شد.

بیانیهٔ پریزما دارای یک چک‌لیست ۲۷ آیتمی است و هر آیتم ۳ گزینه را (قابل اجرا نیست، گزارش نشده است و گزارش شده است) در بر می‌گیرد که در آن چگونگی نگارش عنوان، خلاصه، روش‌ها، نتایج، بحث و منبع تأمین‌کننده بودجهٔ مطالعه مورد سؤال قرار گرفته است. در پژوهش حاضر، در صورت واضح نبودن معیارهای پریزما، خواندن قسمت‌های مبهم، چند بار تکرار می‌شد تا برداشت دقیقی از آن حاصل شود. برای تأمین اعتبار پژوهش، تمام پژوهش‌ها را دو ارزیاب با استفاده از چک‌لیست‌های موجود ارزیابی می‌کردند و موارد اختلاف به فرد سوم ارجاع داده می‌شد. در مجموع ۱۰۵ پژوهش مرتبط با پیکره‌بندی فضایی مسکن به دست آمد.کیفیت مرور نظام‌مند و قابلیت اطمینان نتایج آن، متکی به کیفیت مطالعات شناسایی شده است. از این رو در گام نهایی از غربال منابع، ارزیابی کیفیت نتایج مطالعات از طریق تعیین سه شاخص کیفی انجام شد: الف) تناسب روش مطالعه با پرسش و هدف تحقیق؛ ب) برخورداری از چارچوب نظری؛ ج) اعتبار و پایایی پژوهش‌ها. سپس امتیازدهی به ۲۸۹ مقاله به صورت جداگانه در سه مرحله توسط هر یک از نویسندگان این مقاله، انجام و درنهایت ۱۰۵ مقاله که واجد تمامی معیارهای چهارگانه بودند،جهت تحلیل انتخاب شدند. اکثر مقالات حذف شده دراین مرحله به دلیل عدم ارائه شیوه های اعتباریابی و پایایی مورد استفاده و بی توجهی به روایی ابزارهای سنجش، واجد کیفیت لازم شناخته نشدند. دلایل ذیل اقدام به انتخاب نمونه موردی کرده‌اند: الف) خانه‌هایی واجد الگویی ویژه و یا جریانی نو از تحول و توسعه شهری، ب) خانه هایی واجد گونه‌بندی و ریخت‌شناسی مختلف و... خلاصهٔ مراحل مطالعه مروری بر اساس بیانیهٔ پریزما در جدول (۲) مشاهده می‌شود. داده‌های پژوهش، پس از مطالعهٔ دقیق و جمع‌آوری اطلاعات لازم از مطالعه‌های پذیرفته شده شامل نام نویسندگان، سال انتشار، عنوان پژوهش، نوع، روش نمونه و نتایج در چک‌لیست استخراج داده، با استفاده از روش فراتحلیل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

جدول ۲- خلاصهٔ مراحل مطالعهٔ مروری بر مبنای بیانیهٔ پریزما(Moher and etal،2021)

	شناسایی (جستجوی اولیه)	غربالگری	گزینش اولیه (واجد شرایط بودن)	گزینش نهایی (ورود به پژوهش)
شناسایی پژوهش‌ها از طریق داده‌های داخلی	مطالعات شناسایی شده از طریق جستجو در پایگاه داده (۵۵۰۶۴پژوهش)	مطالعات غربالگری شده پس از تحلیل اولیه[۲] (۲۷۴۷ پژوهش)	استخراج متن کامل مقالات[۳] (۲۸۹ پژوهش)	مطالعات وارد شده به تحلیل (۱۰۵ پژوهش که واجد شرایط نقد و بررسی هستند)

برای بررسی پژوهش‌های منتشرشده در حوزه پیکره بندی فضایی مسکن، از تحلیل‌های کتابشناختی کلیه‌ی انتشارات حاصل از جستجو در مقیاس کلان و با بهره‌گیری از ابزار بیبلیومتریکس در نرم افزار علم سنجی R استفاده شده است. با استفاده از تحلیل‌های هم واژگانی و هم استنادی این ابزار می‌توان خوشه‌بندی های موضوعی در زمینه‌ی مورد نظر استنباط کرد. اساس کاربر تحلیل واژگان و میزان استفاده از آن‌ها در بخش‌های مختلف مقاله از طریق خوانش کدهای خروجی کتابشناختی ۲۱ کتاب در حوزه مطالعات ادراک جنسیتی و فضا، ۲۰ کتاب در حوزه مطالعات روانشناسی محیط و ۸ کتاب در مطالعات مفهومی فضا و مسکن از پایگاه‌های داده استوار است. لذا نخستین گام در این بخش جستجوی مقالات مرتبط با موضوع و استخراج کتابشناختی آنان می‌باشد. ۳۷ مقاله‌ی پژوهشی پراستناد از میان این مقالات که در ارتباط با محیط های ساخته شده بودند انتخاب شده و از طریق تحلیل محتوا در قالب چارچوب مورد نظر پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند. تحلیل و مقایسه‌ی یافته‌های حاصل از دو مسیر تحقیق، گامی در جهت تعیین موضوعات کلیدی و تحول آنها خواهد بود.همچنین غربالگری با محدود کردن حوزه موضوعی به کاربری مسکن صورت گرفت. حذف مستندات در این مرحله نیز با مطالعه عنوان و در برخی از موارد چکیده منابع انجام پذیرفت. درنهایت مستنداتی با موضوعات ساختارکالبدی- فضایی،ساختار اجتماعی- فرهنگی، جنسیت و فضا(محرمیت)، تاثیر سبک زندگی، ادراک کیفیت فضا انتخاب شدند و ۲۸۹ عنوان واجد شرایط برای مرحله تحلیل انتخاب شدند. برای شناسایی مقالات داخلی دو پایگاه علمی داخلی گنج (ایرانداک) و مگیران صورت گرفت. به دلیل پوشش گسترده موضوعات و تعداد مقالات نمایه شده، از پایگاه مگیران بهره گرفته شده و از پایگاه گنج به دلیل روزآمدی و دسترسی بیشتر به پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها (پارسا)، استفاده شده است. کلیدواژه «پیکره بندی مسکن» جستجو شد که ۲۷۴۷ عنوان مقاله و ۷۲ پارسا شناسایی شدند. با غربالگری و جستجوی عناوین شامل روایت فضا، تعاملات اجتماعی، ادراک جنسیتی، فرهنگ جنسیتی و فضامندی مقالات و پارساهای باقیمانده بالغ بر ۱۶۷ مورد شد. این فهرست شامل ۱۳۱ مقاله، ۳۲ پایان‌نامه

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.61186/hafthesar.14.51.125]

کارشناسی ارشد و ۴ رساله دکتری می‌شوند. علاوه بر آن بر پایه اطلاعات نرم‌افزاری و با تحلیل محتوای مستندات انتخاب شده، پیکره‌بندی فضایی به عنوان مفاهیم اصلی در حوزه موضوعی مسکن و مرتبط با تخصص معماری شناسایی شدند و تفاوت های ادراک جنسیتی به عنوان یکی از ابعاد روانشناسی محیط به عنوان دیدگاهی موثر در ارتقاء کیفی در فرایند ارتقاء رضایتمندی سکونتی شناسایی شد. لیست رفرنس‌های مطالعاتی که در مورد پیکره‌بندی فضایی مسکن بودند، طی دو مرحله انتخاب شدند. ابتدا در مرحله اول، چکیده مقالات به دست آمده در جست وجوهای الکترونیکی مورد بررسی قرار گرفت و مطالعات نامرتبط یا تکراری حذف شدند. در مرحله دوم، تصمیم‌گیری در مورد ورود و خروج نهایی پس از بررسی متن کامل مطالعات انجام شد. اطلاعات مربوط به خصوصیات مطالعه، کیفیت و نتایج از هر مقاله انتخاب شده استخراج شد .کلیه مقالاتی که معیارهای انتخاب را داشتند، از نظر کیفیت روش‌شناسی مورد ارزیابی قرار گرفتند. برای اطمینان از طراحی،انجام و تحلیل مطالعات چک لیست مواردی که باید در گزارش‌های مطالعات مشاهده ای گنجانده شود Strobe استفاده شد و بررسی جهت‌گیری با استفاده از تست Egger انجام شد که معنادار نبود P=0/543. عدم انتخاب روش فراتحلیل در این مطالعه به دلیل وجود روش‌های متنوع گردآوری و تحلیل داده‌ها و کاربرد بیشتر آزمون‌ها و تحلیل های چندمتغیره و استفاده از سنجه های متفاوت برای اندازه گیری دلبستگی مکانی در پیشینه مطالعات کشور بوده است.

خانه‌ها به عنوان مهم‌ترین فضای زندگی انسان بازتابندهٔ ارزش‌ها و ایده‌های انسان هستند، از این‌رو نقش مهمی را در ادراک جنسیتی و فهم انسان از محیط پیرامونش دارند (قره‌بگلو و رشاد، ۱۴۰۰، ۲۳۵). خانه تنها مکانی است که اولین تجربیات بشر هم در خلوت و هم در تعاملات با فضا شکل می‌گیرد (shahbazi, Bemanian & Lotfi, 2018) هیلیر[۴] رفتارهایی مانند تعامل، برخورد، سکونت، گردهمایی و اجتناب از تعامل ویژگی افراد نیست، بلکه پیکره‌بندی‌ها یا الگوهایی است که توسط گروه‌های مردم شکل گرفته‌اند و شناخت ارتباط میان ادراک مردم و فضا در رابطهٔ بین پیکره‌بندی افراد و پیکره‌بندی فضا نهفته است و از این رو پیکره‌بندی فضا را مهم‌ترین عامل ایجاد فرهنگ در بناها و شهرها می‌داند (Hillier & Vaughan, 2007). از این‌رو است که جنبهٔ اجتماعی و فرهنگی خانه، از طریق درک پیکره‌بندی فضای جنسیتی میسر خواهد بود(Byun & Choi, 2016). طبق بررسی‌های انجام شده، کلیه مقالات موجود در این حوزه از بعد پیکره‌بندی مسکن در ۲ گروه "مطالعات کالبدی" و "مطالعات روانشناسی" قابل تقسیم‌بندی هستند که هر یک از آنها نیز بر اساس تفکیک جزئی تر، دارای زیرشاخه‌های مختلف هستند (تصویر۲) که در ادامه به تشریح این گروه‌ها پرداخته شده است.



تصویر ۲- طبقه بندی انواع موضوعات در عرصه پیکره بندی مسکن (چارچوب دو جزئی حوزه مسکن)

در ریخت‌شناسی مسکن، هدف اصلی پی بردن به روابط اجتماعی در فضا مانند حریم‌ها از طریق ادراک می‌باشد. کالبد خانه حاصل مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی- فرهنگی در وسیع‌ترین معنای آن است (Rapoport, 2005). این عوامل شامل اعتقادات مذهبی، نظام اجتماعی و شیوه معیشت است که مستقیم و غیر مستقیم بر رفتار و ادراک ساکنان موثر است. مطالعات کالبدی، شامل مطالعه اصول نظم دهنده تدابیر بصری است که هم از نظر فلسفی و هم از نظر احساسی، مشارکت فرم‌ها و فضاهای متنوع یک بنا را در یک محل نظام یافته میسر می‌سازد (فتح بقالی و صنیعی‌پور، ۱۳۹۷). بخش اعظمی از مطالعات کالبدی در حیطه ریخت‌شناسی (مورفولوژی) است که از بررسی فرم، نقشه، کارکرد و ساختار بنا (موسوی و افضلیان، ۱۳۹۸) و محیط پیرامون آن (Liu et al, 2019) حاصل می شود. حیطه گونه‌شناسی شامل دسته‌بندی بناها بر مبنای تفاوت در ویژگی‌های شکلی، کالبدی، سازمان‌دهی و عملکرد فضاها است. بناها همچنین براساس نظام فضایی و با استفاده از ابزار سنجش چیدمان

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.61186/hafthesar.14.51.125]

فضا (نرم‌افزار Depthmap) (کیانی، سلطان‌زاده و حیدری، ۱۳۹۸) در قالب مطالعات نحو فضا قابل تحلیل و ارزیابی هستند. نحو فضا تلاشی در رابطه با وضعیت پیکره بندی فضایی و بیان معنی ادراکی- اجتماعی یا فرهنگی است (Dursun, 2007). هیوارد[۵] فهرستی جامع از معانی منتسب به خانه را اعم از ساختار کالبدی- اجتماعی، قلمرو، مکان مشخص در جهان، خود و ادراک هویتی را ارائه نمود(Hayward, 1975). مطالعات روانشناسی محیط با گذر از مطالعات عرصه‌های کالبدی، وارد حیطهٔ مطالعاتی مفهومی و ادراکی در حوزهٔ معماری، که در رأس آن مطالعات حوزهٔ روانشناسی محیطی به عنوان عرصهٔ مشترک معماری و علوم رفتاری مطرح می‌شود. در این حوزه سیکس اسمیت[۶] مولفه‌های ادراکی، اجتماعی و کالبدی خانه را بیان می‌کند(Sixsmith, 1987). در این مطالعات بنا بر تئوری مکان کانتر[۷] (۱۹۷۷)، بر ادراک ساکنان (تجربه شخصی) خانه تاکید شد؛ حذفیات البته مطالعات اولیه سیکس اسمیت بیشتر بر اهمیت بستر اجتماعی تمرکز داشت. بلانت[۸] معتقد است "خانه یک تصور فضایی ادراکی است؛ مجموعه ای از ایده‌ها، احساسات متغیر و متقاطع که به بستر مرتبط شده‌اند و مکان‌هایی را می سازند، در میان فضاها و مقیاس‌ها بسط می‌یابند و به مکان پیوند می‌خورند. از این رو خانه یک مفهوم جغرافیایی چند لایه با مفاهیم ادراکی پیچیده است". در حوزهٔ کیفیت محیطی نیز سه مؤلفهٔ کالبد، معنا و فعالیت بررسی می‌شود (دلشاد، سیاهکلی، بمانیان و مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۷) که می تواند با هدف تأمین آسایش کاربران درابعاد مختلفی از جمله کیفیت فضا، ادراکات جنسیتی و ترجیحات بصری و غیربصری (بویایی، حرارت، آکوستیک لامسه) مطرح شود(Ramprasad & Subbaiyan,2017; Shahhosseini,2014; Shahhosseini, Kamal & Maulan,2014) . بر پایه این مطالعات، اولوالد[۹] "معنای خانه نمی‌تواند تنها به اجزای تشکیل‌دهنده مفهوم خانه باز گردد بلکه بسیار وابسته به موضوع رضایت از مسکن است" که نشانگر اداراک ساکنان از فضا می‌باشد (Oswald et al, 2006:189). در نتیجه با وجود آن که رضایت از مسکن قابل محاسبه و اندازه‌گیری است. معنای خانه به ارزیابی (ادراک) فرد از اجزای آن محدود نمی‌شود، بلکه جنبه رفتاری این معنا با شیوه زندگی، عادات خانوادگی در طول زمان شکل می گیرد و بدین جهت ابعاد ادراکی، احساسی و اجتماعی معنای خانه منعکس کننده گذشته است(همان). از تجمع شناخت ساختار محیط و ویژگی‌های معانی ذهنی محیط، نقشه‌های شناختی حاصل می‌شود(Tversky, 1993).

یافته‌های تحقیق

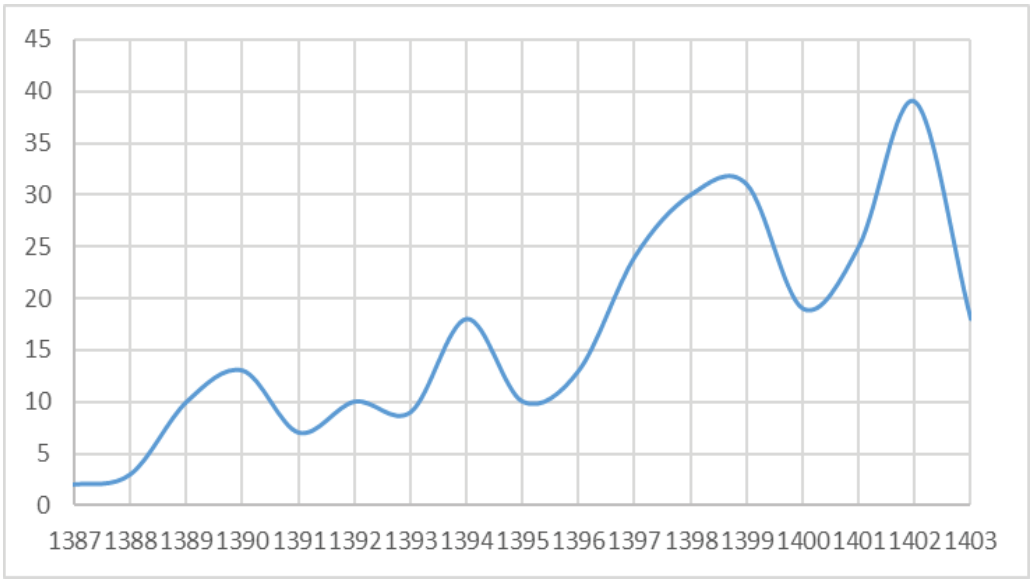
در این بخش نتایج و یافته‌های مطالعات منتخب در پاسخ به دو پرسش اصلی این مقاله بررسی و در مرحله نخست پرسش های اصلی در انجام مرور نظام‌مند مشخص و سپس فرآیند شناسایی پژوهش‌ها از طریق تعیین پروتکل‌ها و معیارهای شمول مطالعات تبیین شد. در انتخاب پیشینه مطالعات، بر مقالات علمی- پژوهشی و متکی بر مطالعات تجربی[۱۰] این پدیده تمرکز شد. پایگاه‌های مجلات تخصصی نور[۱۱] مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی تهران[۱۲] و ساینس دایرکت[۱۳] برای شناسایی مقالات مرتبط انتخاب و واژگان «پیکره‌بندی مسکن» و مفاهیم مشابه آن شامل «سازمان فضایی- کالبدی»،«سیر تحول کالبدی» و «زبان الگو » جست و جو شدند. همانطور که از جدول شماره (۳) استنباط می‌شود، طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ بیشتر مطالعات در حوزه روانشناسی مسکن و در سال های ۱۴۰۲ بیشترین مطالعات در حوزه مطالعات کالبدی مسکن است که با بررسی سال های در ارائه مقالات،این مهم به دست می‌آید که کوویید ۱۹ و افسردگی جامعه نقش بسزایی در مطالعات داشته است. البته با بررسی متن کامل مقالات این نکته حاصل شد که اکثر نویسندگان مقالات تمایلی به اشاره مستقیم به این موضوع ندارند. به خصوص در مقالات حوزه مطالعات کالبدی این مسئله بیشتر به چشم می‌خورد (کالبد پاسخگو تغییرات سبک زندگی و ادراک جامعه و مسائل روز نیست).

جدول ۳- اطلاعات آماری مطالعات کالبدی و روانشناسی مسکن از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳

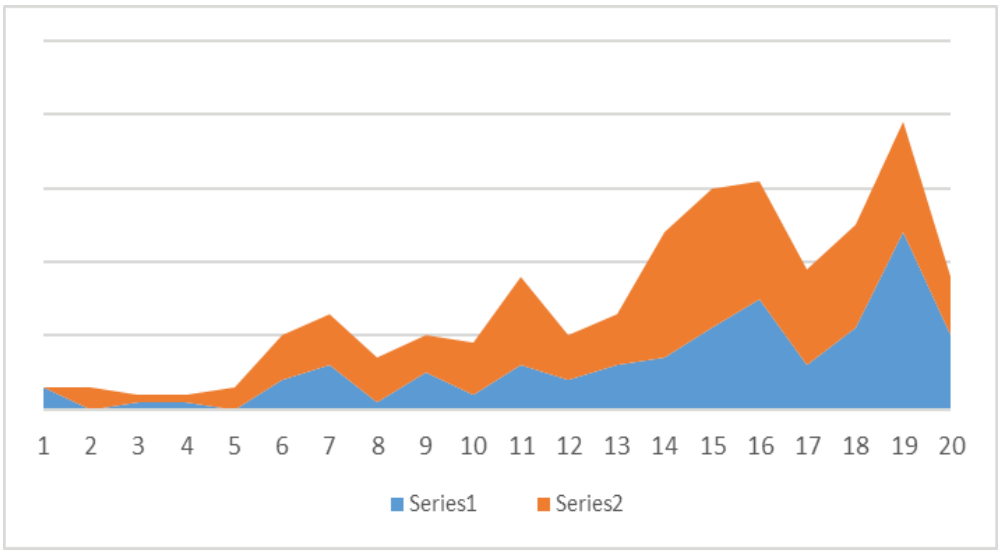
	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	جمع
مطالعات کالبدی	۳	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۴	۶	۱	۵	۲	۶	۴	۶	۷	۱۱	۱۵	۶	۱۱	۲۴	۱۰	۱۲۳
مطالعات روانشناسی	۰	۳	۱	۱	۱	۳	۳	۶	۷	۷	۶	۵	۷	۱۲	۶	۷	۱۷	۱۹	۱۶	۱۳	۱۴	۱۵	۸	۱۶۶
جمع	۳	۳	۲	۲	۱	۴	۴	۶	۱۱	۱۳	۷	۱۰	۹	۱۸	۱۰	۱۳	۲۴	۳۰	۳۱	۱۹	۲۵	۳۹	۱۸	۲۸۹

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/hafthesar.14.51.125]



تصویر ۳- اطلاعات آماری مطالعات کالبدی و روانشناسی مسکن



تصویر ۴- اطلاعات آماری مطالعات کالبدی و روانشناسی مسکن

سهم موضوعی مقالات: در خصوص سهم موضوعی، پس از مطالعه و بررسی مقالات، در چند دسته مختلف طبقه بندی شدند و پس از چندین مرحله توسط محققین روی دسته‌بندی زیر وفاق حاصل شد که سهم موضوعی مقالات در قالب جدول (۳) آمده است. نتایج به دست آمده از تحلیل ۲۸۹ مقاله در حوزه مسکن (مطالعات کالبدی و روانشناسی- ادراکی) در بازه زمانی موردنظر، نشان دهنده آن است که موضوع ساختار فضایی (۳۰/۴۵ درصد) با اختلاف از دیگر موضوعات بیشتر به آن پرداخته شده است و موضوع محرمیت فضا (۱/۷۳ درصد) کمترین سهم موضوعی را به خود اختصاص داده است. بررسی و تحلیل جدول (۳) می‌تواند بیانگر این مسئله باشد که باتوجه به غنی بودن معماری گذشته ایران، اغلب موضوعات در راستای تحلیل معماری گذشته ایران و روانشناسی محیط و تاثیر آن بر افراد در حال تعامل و ادراک جنسیتی با محیط هستند. همچنین اهمیت محرمیت، و حریم در مسکن ایران بر کسی پوشیده نیست و سهم اندک آن در موضوعات بررسی شده در مقالات در حوزه مسکن جای تامل بیشتری دارد. درجدول شماره (۴) و نمودار میله ای شماره ۵، سهم موضوعی مقالات در بازه زمانی مذکور و با مشخصات مجله‌های علمی و پژوهشی مشهود است. که مجله به ترتیب مجله باغ نظر (۲۷ مقاله)، آرمانشهر (۱۷ مقاله) و هنرهای زیبا (۱۳مقاله) را به خود اختصاص داده‌اند و باتوجه به تمرکز این موضع بر فناوری‌های روز دنیا (هوش مصنوعی) می‌تواند پیکره‌بندی مسکن مورد توجه بیشتری از سوی پژوهشگران قرار گیرد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/hafthesar.14.51.125]

جدول ۴- بررسی سهم موضوعی مقالات در مجلات منتشر کننده

مولفه	هنرهای زیبا	صفه	باغ نظر	هویت شهر	ارمانشهر	نامه معماری و شهرسازی	نقش جهان	هفت حصار	جمع	درصد
ریخت شناسی	۰	۱	۳	۰	۱	۰	۲	۰	۷	۲/۴۲
ساختار فضایی[۱۴]	۱۳	۹	۲۷	۸	۱۷	۳	۵	۶	۸۸	۳۰/۴۵
گونه شناسی	۳	۱	۱	۲	۴	۱	۰	۲	۱۴	۴/۸۴
انعطاف پذیری	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۲	۱	۷	۲/۴۲
قلمروهای فضایی	۲	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۷	۲/۴۲
معنای فضا	۳	۴	۴	۱	۲	۳	۰	۲	۱۹	۶/۵۷
محرمیت فضا	۱	۰	۰	۳	۱	۰	۰	۰	۵	۱/۷۳
حریم فضا	۰	۱	۲	۲	۰	۰	۰	۱	۶	۲/۰۸
جنسیت فضا	۰	۲	۲	۲	۲	۰	۰	۰	۸	۲/۷۷
فرهنگ فضا	۴	۱	۴	۳	۱	۰	۱	۳	۱۷	۵/۸۸
انسان و محیط	۲	۵	۳	۱	۰	۱	۱	۰	۱۳	۴/۵۰
پایداری اجتماعی	۰	۵	۶	۱۰	۴	۲	۴	۲	۳۳	۱۱/۴۲
کیفیت محیط	۲	۴	۱	۹	۷	۳	۰	۴	۳۰	۱۰/۳۸
تجربه زیسته/ حس مکان	۸	۵	۷	۵	۵	۲	۰	۳	۳۵	۱۲/۱۱
جمع	۳۸	۴۰	۶۲	۴۸	۴۵	۱۶	۱۵	۲۵	۲۸۹	۲/۴۲
درصد	۱۳/۱۵	۱۳/۸۴	۲۱/۴۵	۱۶/۶۱	۱۵/۵۷	۵/۵۴	۵/۱۹	۸/۶۵	۱۰۰	۱۰۰

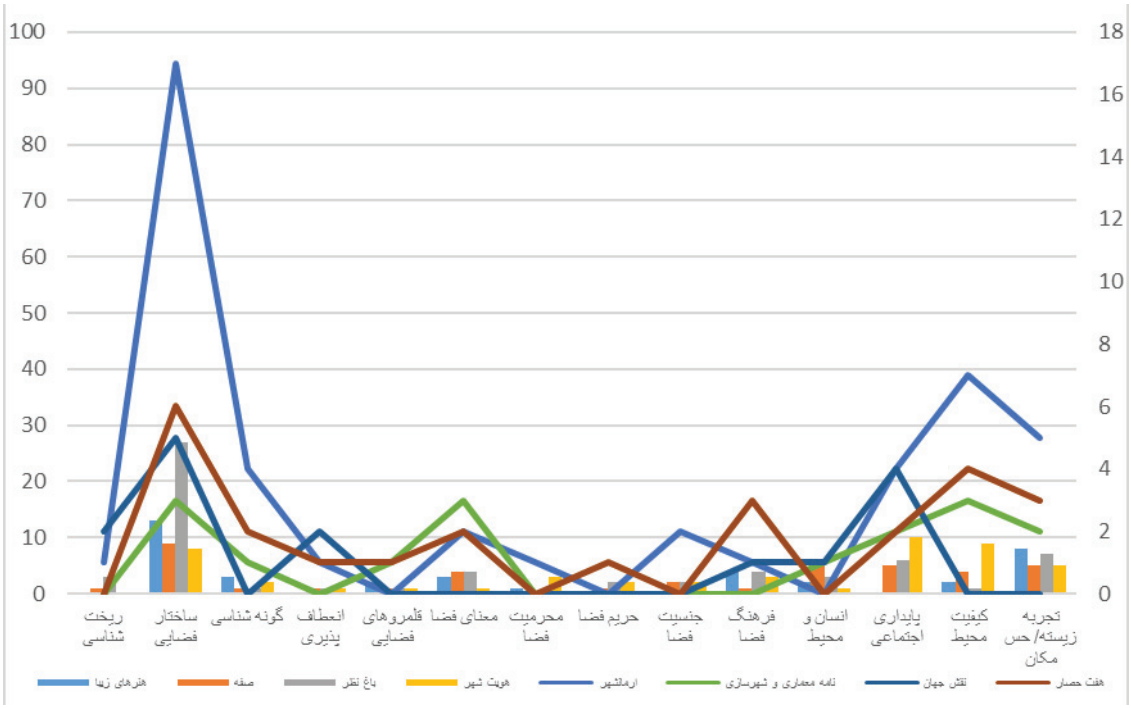
همانطور که در جدول شماره (۳) ملاحظه می شود؛ بیشترین فراوانی مقالات مربوط به سال‌های۱۴۰۲ و۱۳۹۹ و کم ترین آن مربوط به سال‌های قبل ۱۳۹۰ است که نشان از رشد قابل ملاحظه انتشار مقالات علمی و پژوهشی در حوزه مطالعات کالبدی و روانشناسی مسکن و اهمیت ادراک و رضایتمنی ساکنان در سال های اخیر دارد. همچنین می‌توان چنین استنباط کرد که در سال‌های اخیر با فراوانی ۳۰/۴۵، ساختار فضایی بیش‌ترین پژوهش را به خود اختصاص داده است. در بین مقالات چاپ شده بین سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ بیشترین درصد چاپ مقالات در حوزه مطالعات کالبدی و روانشناسی- ادراکی (جنسیت) مسکن در این بازه زمانی است. مقالات در حوزه مطالعات کالبدی (۴۲/۶٪) با تعداد۱۲۳ مقاله و در حوزه مطالعات روانشناسی- ادراکی (جنسیت) (۵۷/۴٪) با تعداد۱۶۶ بیشترین موضوعات را به خود اختصاص داده اند. از ۲۸۹ مقاله چاپ شده در حوزه مسکن(مطالعات کالبدی و روانشناسی، سهم هر یک از مجلات علمی و پژوهشی در ارائه و چاپ این مقالات را می‌توان در جدول شماره ۵ مشاهده کرد. همانطور که ملاحظه می‌کنید بیشترین آمار مربوط به مجلات باغ نظر با سهم ۲۱/۴۵٪ و هویت شهر با سهم ۱۶/۶۱٪ و کمترین مربوط به نقش جهان با سهم ۵٪ درصد می‌باشد که با توجه به دو آیتم سابقه مجلات و اولویت‌بندی آنها قابل توجیه است (جدول شماره ۴).

مولفه	هنرهای زیبا	صفه	باغ نظر	هویت شهر	ارمانشهر	نامه معماری و شهرسازی	نقش جهان	هفت حصار	جمع	درصد
مطالعات کالبدی	۱۸	۱۳	۳۳	۱۲	۲۳	۵	۹	۱۰	۱۲۳	۴۲/۶
مطالعات روانشناسی- ادراکی (جنسیت)	۲۰	۲۷	۲۹	۳۶	۲۲	۱۱	۶	۱۵	۱۶۶	۵۷/۴
جمع	۳۸	۴۰	۶۲	۴۸	۴۵	۱۶	۱۵	۲۵	۲۸۹	۱۰۰

جدول ۵- بررسی مولفه های کالبدی و روانشناسی مسکن به تفکیک نشریه های علمی و پژوهشی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

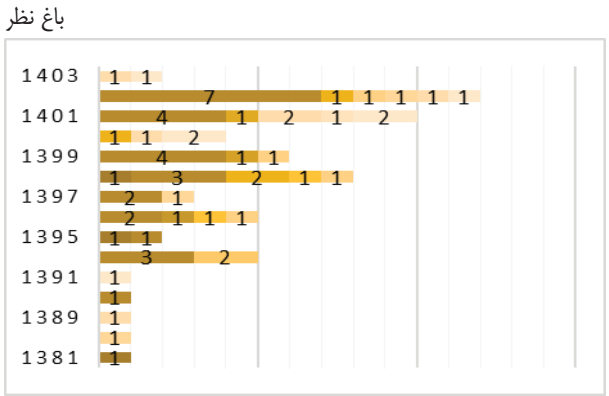
[DOI: 10.61186/hafthesar.14.51.125]

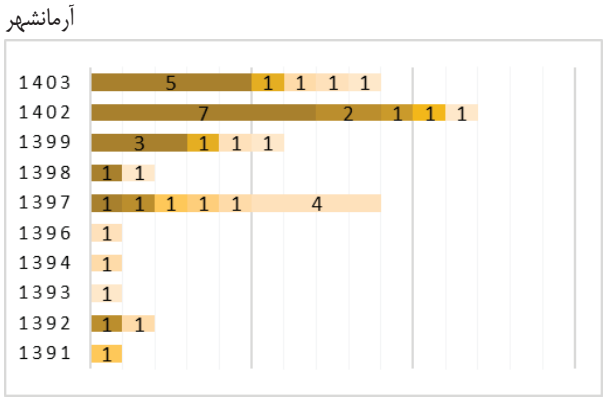


تصویر ۵- بررسی مولفه‌های کالبدی و روانشناسی مسکن به تفکیک نشریه‌های علمی و پژوهشی



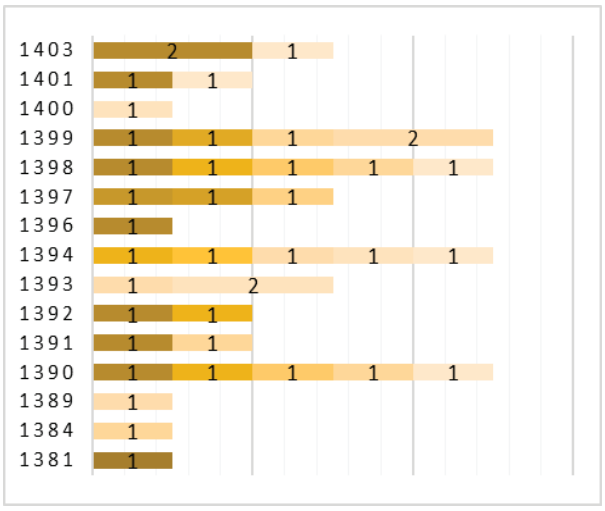
تصویر ۶- دیاگرام مولفه‌های پیکره‌بندی مسکن
به تفکیک نشریات علمی و پژوهشی



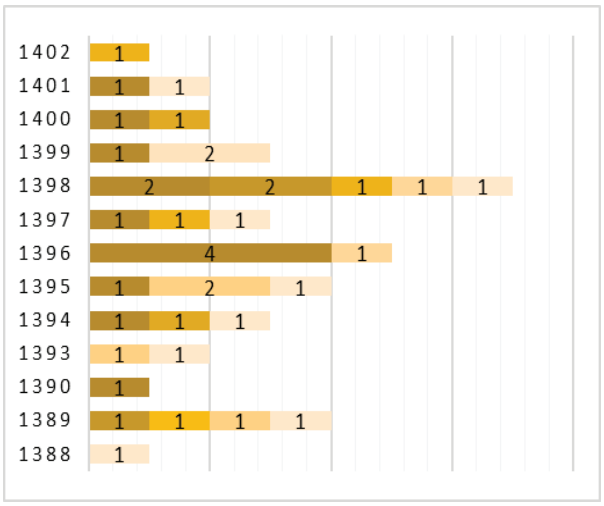


[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.61186/hafthesar.14.51.125]

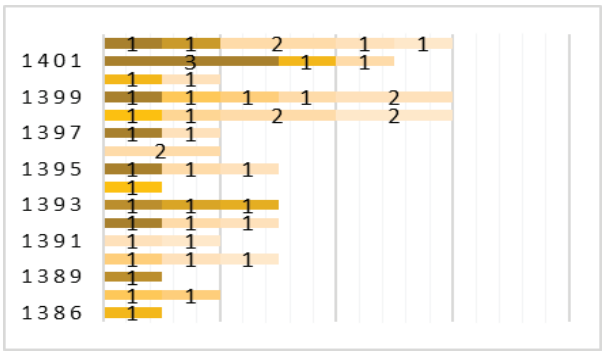
صفه



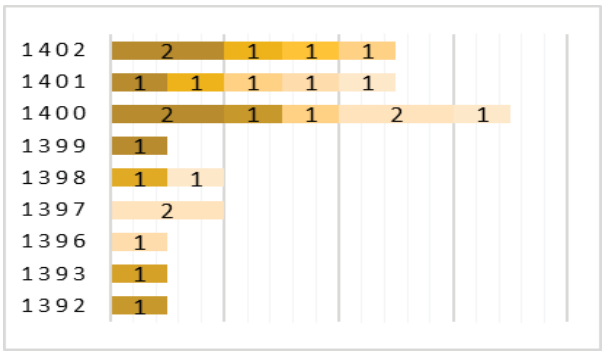
هنرهای زیبا



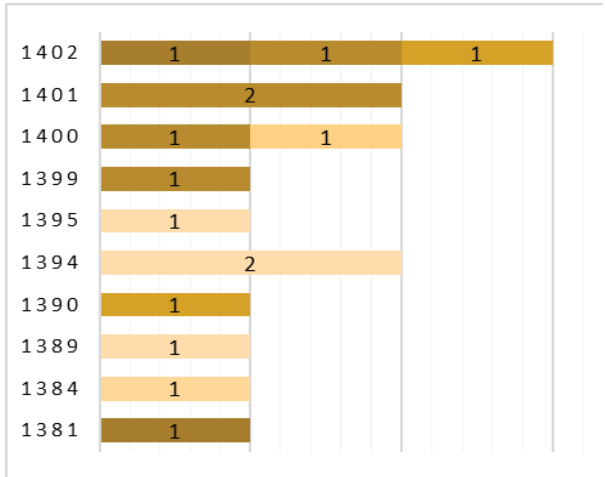
هویت شهر



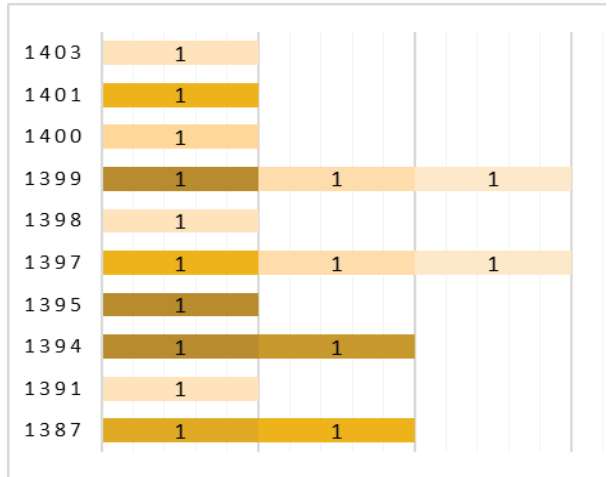
هفت حصار



نقش جهان



نامه معماری و شهرسازی

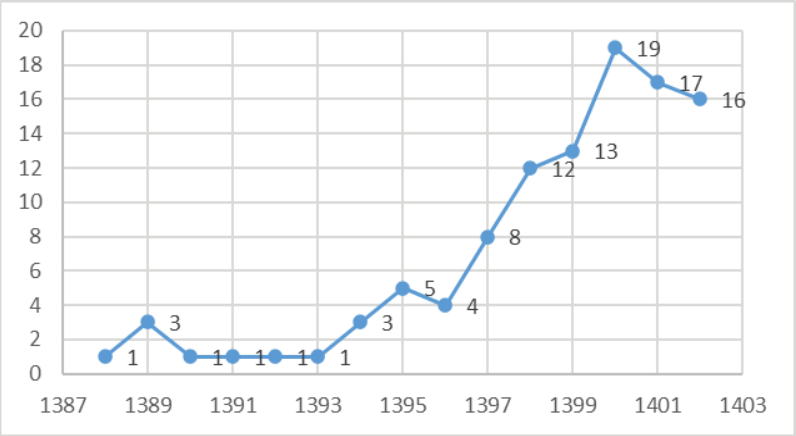


در جدول شماره (۴) با بررسی مولفه‌های پیکره‌بندی مسکن مشخص شد که بیشترین فراوانی مربوط به مولفه‌های روانشناسی- ادراکی (جنسیت) (۵۷/۴ درصد) و کمترین آن مربوط به مولفه‌های کالبدی (۴۲/۶ درصد) می باشد. همچنین مشخص شد که نشریه باغ نظر با ۳۳ مقاله در مطالعات کالبدی و نشریه هویت شهر با ۳۳ مقاله در مطالعات روانشناسی را به خود اختصاص داده‌اند.

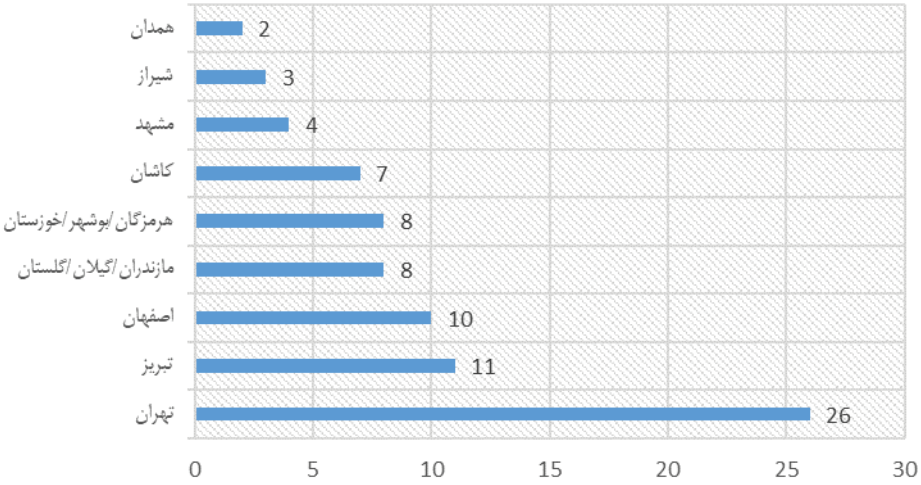
[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/hafthesar.14.51.125]

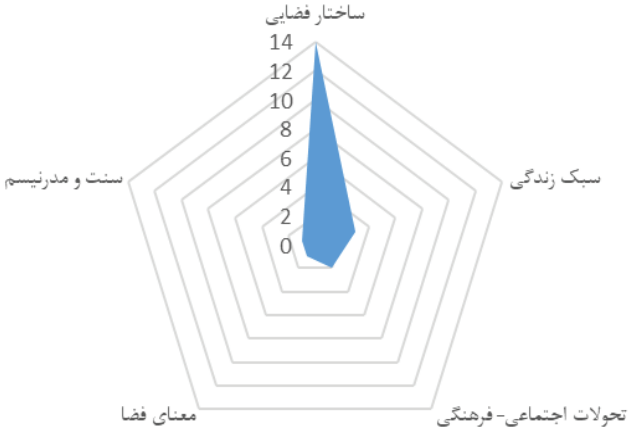
در مرحله دوم و در پاسخ به سوال " آیا می‌توان با بررسی و تحلیل محتوای کمی و کیفی مقالات در بازه زمانی ذکر شده، الگویی قابل قبول جهت ترسیم و پیش‌بینی آینده حوزه پیکره‌بندی مسکن با تاکید بر اداراک جنسیتی به دست آورد؟" در این مرحله ۱۰۵ مقاله شناسایی و سپس از میان آنها، مطالعات در شهر تهران حدود ۲۶ پژوهش (۲۴/۷۶٪) درصد از مطالعات مذکور را به خود اختصاص داده‌اند. (جدول ۵) و شهرهای یزد، قزوین، سنندج، اردبیل، اراک، کرمان و بروجرد فقط یک بار توسط محققان مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.



تصویر ۷- نمودار بازه زمانی ۱۰۵ مقاله منتخب



تصویر ۸- نمودار تحلیل ۱۰۵ مقاله منتخب به تفکیک شهرها



تصویر ۹- دیاگرام ضریب همبستگی بین شاخص‌های مورد استفاده در تحلیل ۲۶ پژوهش شهر تهران (پیکره بندی مسکن)

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/hafthesar.14.51.125]

بر اساس تصویر ۷ و ۸ و ۹، در سال‌های اخیر، مجموعه‌ای گسترده از مطالعات در حوزه تحلیل پیکره‌بندی فضایی و تحولات کالبدی مسکن در ایران شکل گرفته است که ابعاد مختلفی از سیر تحول فضایی، اجتماعی و فرهنگی سکونتگاه‌ها را مورد واکاوی قرار داده‌اند. این مطالعات، با تمرکز بر خانه‌های سنتی، مدرن و معاصر، از منظرهای متعددی همچون نظریه نحو فضا، دستور زبان شکل، گونه‌شناسی فضایی، تحلیل رفتارهای فضامند، و تأثیرات سبک زندگی، ابعاد کالبدی و اجتماعی مسکن را بررسی کرده‌اند. پژوهش‌ها غالباً به تحلیل سازمان فضایی خانه‌ها در بستر تاریخی- فرهنگی و اقلیمی مناطق مختلف کشور پرداخته و تلاش کرده‌اند روابط میان فضا، فرهنگ، عملکرد و معنا را آشکار کنند.

در پهنه مرکزی ایران، به‌ویژه شهرهایی چون اصفهان، کاشان، یزد، اردکان و نجف‌آباد، تمرکز مطالعات عمدتاً بر ساختارهای فضایی خانه‌های دوره‌های قاجار، پهلوی و معاصر است. در این پژوهش‌ها، تحلیل‌هایی چون بررسی سلسله‌مراتب فضایی، محرمیت، نحوه سازمان‌یافتگی ورودی‌ها، فضاهای نیمه‌خصوصی، راندمان عملکردی و خوانایی فضایی مورد توجه قرار گرفته‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که الگوهای فضایی خانه‌های سنتی، نه صرفاً بر اساس کارکرد کالبدی، بلکه با تکیه بر مفاهیم فرهنگی-اجتماعی شکل گرفته‌اند که هنوز در برخی ساختارهای معاصر نیز تداوم یا بازتولید یافته‌اند. در مطالعات انجام‌شده در تهران و کلان‌شهرهایی چون کرج، تبریز، شیراز و یزد، علاوه بر تحلیل ساختار فضا، به تحولات سبک زندگی نوگرا، تغییرات فرهنگی و تأثیر ضوابط و سیاست‌های توسعه شهری بر الگوی سکونت توجه ویژه‌ای شده است. از جمله موضوعاتی که در این حوزه بررسی شده‌اند می‌توان به تغییر در سلسله‌مراتب فضایی، کم‌رنگ شدن فضای ایوان و حیاط، نقش فضاهای پرت، انعطاف‌پذیری فضایی، بازخوانی مفاهیم خانه و حریم، و تحلیل ساختار پلان با استفاده از هوش مصنوعی اشاره کرد. برخی پژوهش‌ها نیز به تأثیر مقررات دوران پهلوی بر فرم‌گیری ساختار فضایی، یا به تفاوت ارزش فضایی در بافت‌های تاریخی و جدید با نگاهی مقایسه‌ای پرداخته‌اند. تنوع این مطالعات گویای افزایش حساسیت نسبت به نقش تحولات تاریخی، اجتماعی و فناورانه در شکل‌گیری فضای زندگی در ایران معاصر است.

در شهرهای شمال‌غرب کشور مانند ارومیه، تبریز، بناب، مراغه و ملکان نیز پژوهش‌هایی با محوریت پیوند میان ساختار فضایی خانه‌ها، سبک زندگی و عوامل اقلیمی انجام شده‌اند. در این پژوهش‌ها، علاوه بر بهره‌گیری از تحلیل‌های نحوی و گونه‌شناسی فضایی، مفاهیمی چون آسایش حرارتی و آکوستیکی، نقش حیاط مرکزی، چیدمان فضاهای خدماتی و خصوصی، و مفهوم حریم در برج‌های مسکونی جدید بررسی شده‌اند. استفاده از چارچوب نظری «دستور زبان شکل» در برخی مطالعات، امکان بازخوانی نظام‌های فضایی خانه‌های مجموعه‌ای را فراهم کرده و به فهم پیوستگی یا گسست در ساختار سکونتگاه‌های تاریخی و معاصر یاری رسانده است. این رویکرد، با تمرکز بر قواعد ترکیب فضا و تغییرات فرم، به تحلیل‌های دقیق‌تری از سیر دگرگونی خانه‌ها در زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی کمک کرده است.

در نواحی شمالی کشور مانند گیلان و مازندران، و نیز در جنوب و جنوب‌غرب کشور از جمله شهرهایی چون دزفول، شوشتر، قشم، بوشهر و آبادان، مطالعات بیشتری با رویکردهای مردم‌نگارانه و فرهنگی به بررسی نقش ساختار فضایی در بازنمایی روابط اجتماعی، معیشت محلی، جنسیت، تعلق مکانی و تعاملات درون‌خانوادگی پرداخته‌اند. خانه‌ها در این مناطق، بازتابی از شیوه زندگی، بافت اجتماعی، و شرایط اقلیمی خاص هستند. برخی مطالعات به نقش شرکت نفت در طراحی و ساخت سکونتگاه‌های سازمانی و تأثیر آن بر پیکره‌بندی فضایی خانه‌ها و نظم طبقاتی پرداخته‌اند، در حالی که برخی دیگر، با دیدگاه انتقادی، به پیامدهای قطع پیوستار فرهنگی-فضایی خانه‌های سنتی در طرح‌های مسکن معاصر توجه کرده‌اند.

در دهه اخیر، روند مطالعات از تمرکز صرف بر ساختارهای شکلی و کالبدی، به سمت تحلیل‌های میان‌رشته‌ای و انسان‌محور متمایل شده است. توجه به موضوعاتی چون حس تعلق، ادراک فضا، فضاهای واسط، و بازتاب سبک زندگی در سازمان فضایی، نشان از گسترش رویکردهای نوین در تحلیل معماری مسکن دارد. همچنین، گسترش استفاده از نرم‌افزارهای تحلیلی و تلفیق تحلیل کمی با مشاهده میدانی، مصاحبه و تحلیل محتوای فرهنگی، نشان‌دهنده بلوغ روش‌شناختی در این حوزه است. با وجود این پیشرفت‌ها، چالش‌هایی همچون تمرکز منطقه‌ای بر چند شهر خاص، فقدان مطالعات تطبیقی میان مناطق مختلف کشور، و کم‌توجهی به سکونتگاه‌های غیررسمی، حاشیه‌نشین و بومی‌محور هنوز به چشم می‌خورد. همچنین، تحلیل عمیق تأثیرات فناوری، اقتصاد، و دگرگونی‌های سبک زندگی دیجیتال در معماری معاصر ایران نیازمند مطالعات جامع‌تری است. در مجموع، روند مطالعات انجام‌شده، گویای تلاش برای بازاندیشی رابطه پیچیده میان فضا، فرهنگ و زندگی روزمره در بستر تحولات معماری مسکن ایران است.

همچنین بررسی سهم پژوهش در شهرها نشان می‌دهد که تهران (نمودار شماره ۹) با مولفه‌های تحولات الگو (۱۴ پژوهش) بیشترین و معنای فضایی و سنت ومدرنیسم (۱ پژوهش) کمترین سهم را در این پژوهش‌ها در شهر تهران دارند. بررسی ۱۰ کوی‌های مسکونی مورد مطالعه در ۱۰۵ پژوهش منتخب حاکی از غلبه ۱۰ درصدی کوی‌های مورد مطالعه در کلانشهرها است. به علاوه بیشترین پژوهش‌ها در منطقه تهران و پس از آن تبریز و اصفهان انجام شده است. به نظر می‌رسد دانشگاه محل تحصیل، مکان تولد پژوهشگران، و سهولت دسترسی به اطلاعات، عوامل اصلی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.61186/hafthesar.14.51.125]

درانتخاب مناطق برای مطالعه بوده است. پژوهشگران رشته‌های مختلف با جنسیت ها، ادراک‌ها و سنت‌های نظری متفاوت، پیوندهای مسکن را در قالب مفاهیم مختلف برگزیده اند. از میان منابع نهایی تنها در هشت مقاله «ادراک جنسیتی و فضا » متغیر وابسته یا پدیده اصلی تحقیق بود. دیگر مقالات برای بررسی، مفاهیمی از جمله ریخت شناسی، ساختار فضایی، گونه شناسی، انعطاف پذیری، قلمروهای فضایی، معنای فضا، محرمیت فضا، حریم فضا، فرهنگ فضا، انسان و محیط، پایداری اجتماعی، کیفیت محیط و تجربه زیسته– حس مکان به کار گرفته اند و همچنین پژوهشگران تمایز میان «محرمیت فضا (در قابل تجربه های زیستی از ادراک های فضایی مختلف)» و «قلمروهای فضایی» را در تبیین چارچوب های نظری در نظر نداشتند. بنابراین سازمان فضایی خانه ها در خلال تحولات نوگرایی بیشترین تغییرات را داشته است و این تغییرفرهنگ در سازمان فضایی خانه و تغییر در روابط اجتماعی اعضای خانواده و در نهایت ادراک های فضایی متفاوت کاملاً مشهود است.

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله با مرور نظام‌مند پژوهش‌های تجربی کشور در زمینه پیکره بندی مسکن با نگاه موشکافانه ادراک حد فاصل سال‌های ۱۴۰۳- ۱۳۸۰ تلاش کرد تا نگرش محققان به این پدیده بررسی و دسته‌بندی منظمی از عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری و تقویت آن در راستای بیان کمبودهای پژوهشی چون بحث ادراک جنسیتی در حوزه ی مسکن ارائه نماید. شناسایی ۱۰۵ مقاله پیرامون مولفه‌های کالبدی و روانشناسی از دیدگاه ادراکی، بیانگر اهمیت یافتن موضوع خانه وتوجه روزافزون پژوهشگران به این مولفه‌ها به خصوص نقش جنسیت و مطالعات پرتکرارتر در مقیاس کوی‌های مسکونی موید اهمیت یافتن موضوع خانه و ابعاد ساختارفضایی و ادراکی خانه در نظام برنامه ریزی و طراحی معماری است. در بعد روانشناسی– ادراکی، دلبستگی ساکنان به خانه با شکل‌گیری احساس امنیت و آرامش از سکونت در محله، اعتماد اجتماعی و احساس تعهد به محله همراه است. در بعد کالبدی، رضایتمندی ساکنان تحت تأثیر افزایش مدت زمان سکونت، توسعه تعاملات اجتماعی ساکنان، شکل‌گیری خاطرات، و ایجاد حریم برای ساکنان می‌شود. شایان ذکر است اگرچه «ساختارفضایی» پرتکرارترین مولفه پژوهش‌ها بوده، اما در هیچ یک از مطالعات تعریفی روشن از این مفهوم ادراک فضایی ارائه نشده و رابطه مفهومی با پیکربندی مسکن به مثابه فرآیندی روانشناختی تبیین نشده است. به علاوه روشن نیست آیا ادارک پژوهشگران براساس جنسیتشان با برداشت ذهنی ساکنان از مفهوم خانه یکسان بوده است یا خیر. بنابراین ارائه نظریه پیکره بندی مسکن – ادراک جنسیتی به طور عام و در کوی های مسکونی به طور خاص جهت تبیینی منسجم از این پدیده در مطالعات آتی در حوزه های جنسیت به خصوص ادراک زنان پیشنهاد می‌شود. در بعد کالبدی در قالب دو متغیر «نظام شکل‌گیری فضاها» و «نظام شکل اجزای بنا » عوامل تأثیرگذار بر این مولفه ها معرفی شده‌اند. نتایج مطالعات نشان می‌دهد با افزایش مدت زمان سکونت دلبستگی به خانه در ساکنان افزایش می‌یابد. با این حال این پرسش مطرح است که دلبستگی به خانه در ساکنان جدید یا ساکنان محله‌هایی که دستخوش تغییرات اساسی شده‌اند، تحت تأثیر چه عواملی است و کدام ویژگی‌های کالبدی یا اجتماعی می‌تواند شکل گیری این ساختار را تسریع کند و آیا جنسیت و ادراک ساکنان نقش اساسی در این تغییرات داشته است! اهمیت این موضوع در سیاست گذاری برای تقویت رضایتمندی ساکنان در نوسازی بافت‌های با ارزش و محله های مسکونی که تغییرات بالای جمعیتی را تجربه می‌کنند، مشخص می گردد. رابطه پیچیده ساختار فضایی مسکن و جنسیت در راستای بسط مفهوم ادراک جنسیتی و فضا، نیازمند مطالعات عمیق برای شناسایی گونه های مختلف از ادارک در گروه‌های جنسیتی و مقایسه پیامدهای رفتاری و روانشناختی در این گروه‌ها است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد، سازمان فضایی با توجه به ادراک، حریم ها و قلمروها، دلبستگی و تعلق ساکنان را به خانه تقویت می‌کند. با توجه به نتایج حاصل از تحقیق می‌توان مسئله های متداول پژوهشی در حوزه‌ی پیکره بندی مسکن با اولویت ادراک جنسیتی را در سه خوشه دسته‌بندی کرد: ۱. تاثیر سبک زندگی بر روابط و ادراک فضایی مسکن ۲. نقش سازمان فضایی در سلامت روان ساکنین با تاکید بر جنسیت، ۳. مفاهیم موثر بر شکل‌گیری مکان (حس مکان، تعلق و هویت مکانی). خانه به عنوان محل سکونت نیازمند تفکیک فضاها به تناسب نوع فعالیت ها و روابط (ادراک) افراد آن است. خانه امری است فرهنگی؛ شکل و سازمان آن متاثر از فرهنگ (سبک زندگی) است. اغلب افراد ترجیح می‌دهند در خانه هایی زندگی کنند که مطابق با فرهنگ گذشته و با تکیه بر ادراک فضایی آنان باشد (سکونتگاه ها تبلوری از فرهنگ است و مکمل آلگوهای ادراکی– رفتاری در خانه فرهنگ است). با تغییر شکل زندگی در دورهٔ معاصر، روابط ادراکی –فضایی و به تبع آن اجتماعی در خانهٔ ایرانی به تدریج دچار تغییر و دگرگونی شد. همچنین شیوه و الزامات زندگی در دورهٔ معاصر، دیگر مجال شکل‌گیری و پیکره بندی کامل فضا را بر اساس الگوهای سنتی نمی‌دهد و الگوهای جدید فضایی بستری متفاوت برای شکل گیری رفتار اجتماعی بر پایه ادراک‌های مختلف جنسیتی را ایجاد کرده‌اند. در نهایت زمینه های پژوهشی برای پرداخت به دیگر مسائل که خصوصا نگاه فرهنگی در جامعه ی ایرانی را هدف قرار دهد، در میان پژوهش‌های صورت گرفته هنوز جای خالی بسیار دارد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/hafthesar.14.51.125]

پی‌نوشت‌ها

۱. PRISMA
۲. محدودیت های رکوردهای بازیابی شده به ۵۵۰۶۴ (محدود به هنر و معماری- ۲۷۴۷ پژوهش) و و پژوهش‌های حذف شده به دلیل: بدون متن کامل، مقالات همایشی، مقالات نامرتبط با با حوزه پژوهش.
۳. مقالات حذف شده به علت کیفیت پایین بر اساس پریزما (۲۸۹عنوان)
۴. Hillier
۵. Hayward,G
۶. Judith Sixsmith
۷. David Canter
۸. Alison Blunt
۹. Oswald,Frank
۱۰. Empirical Research
۱۱. https://www.noormags.ir
۱۲. https://www.sid.ir
۱۳. https://www.sciencedirect.com
۱۴. چیدمان فضا، سازمان فضایی، زبان الگو، سازمان کالبدی، پیکربندی، سیر تحول کالبدی

منابع

- دلشاد سیاهکلی، مهسا.، بمانیان، محمدرضا و مهدوی نژاد، محمد جواد. (۱۳۹۷). سنجش کیفیت محیطی سیستم مکان- رفتار تعاملی در اندام‌های گذار محیط های یادگیری کودکان (نمونه موردی: مدارس ابتدایی محدوده شمال شرق). معماری و شهرسازی ایران، ۹ (۱۶)، ۱۱۷-۱۱۰.
- زارعی، قاسم و محمودی پاچال، زینب. (۱۳۹۸). واکاوی مطالعات گردشگری ایران از نظر موضوعی و روش شناختی و ترسیم آیندهٔ مطالعات پژوهشی. گردشگری و توسعه، (۸)، ۱-۱۹.
- سامه، رضا و اکرمی، غلامرضا. (۱۳۹۳). تبیین مفهوم معماری به مثابه «امر معماری» از ماهیت تا کیفیت. صفه، ۴ (۱)، ۲۹ – ۳.
- فتح بقالی، عاطفه و صنیعی پور، حمید. (۱۳۹۷). تأثیر عناصرکالبد -فضایی (معماری) بر دلبستگی به مکان شهروندان در مجموعهٔ بازار تبریز. آمایش محیط، ۱۱ (۴۳)، ۹۷ – ۱۲۳ .
- قره بگلو، مینو و رشاد، لاله. (۱۴۰۰). عوامل تصویرپذیر درخانه های دورهٔ قاجار در شهر تبریز. تحقیقات جغرافیایی، ۳۶ (۳)، ۲۴۱-۲۳۳.
- کیانی، مهدخت.، سلطان زاده، حسین و حیدری، علی اکبر. (۱۳۹۸). سنجش انعطاف پذیری نظام فضایی با استفاد ه از تکنیک چیدمان فضا (مطالعهٔ مورد ی: خانه های شهر قزوین). باغ نظر،۱۶ (۷۱)، ۷۶.
- لنگ،جان (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط؛ ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- موسوی، محمد حامد و افضلیان، خسرو. (۱۳۹۸). تحلیل مورفولوژیک معماری مسکونی مدرن در کشورهای ترکیه و ایران. نمونهٔ موردی: کاخ چانکایا و کاخ سعد آباد، معماری و شهرسازی ایران، ۱۰ (۱۷)، ۱۱۳ – ۱.
- Alhadidi, S., & Mitcheltree, H. (2016). Performative Architectural Practice. Sydney: UTS School of Architecture.
- Bayhan, H. G., & Karaca, E. (2020). Technological innovation in architecture and engineering education-an investigation on three generations from Turkey. *International Journal of Educational Technology in Higher Education*, *17*, 1-22.
- Byun, N., & Choi, J. (2016). A typology of Korean housing units: In search of spatial configuration. Journal of Asian Architecture and Building Engineering, 15(1), 41-48.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. Qualitative research in psychology, 3(2), 77-101.
- Chaszar, A., & Joyce, S. C. (2016). Generating freedom:Questions of flexibility in digital design and architectural computation. International Journal of Architectural Computing, 14(2), 167-181.
- Chung, W. J., Liu, C., & Seong, Y.-B. (2019). Potentiallighting and thermal demand reduction in office buildings using blind control considering surrounding buildings.Journal of Asian Architecture and Building Engineering,18(3), 262-270.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/hafthesar.14.51.125]

- Dursun, P. (2007, June). Space syntax in architectural design. In 6th international space syntax symposium (pp. 01-56).
- Dwivedi, Y. K., Venkitachalam, K., Sharif, A. M., Al- Karaghouli, W., & Weerakkody, V. (2011). Research trends in knowledge management: Analyzing the past and predicting the future. Information Systems Management, 28(1), 43-56.
- Groat, L. N., & Wang, D. (2013). Architectural research methods. London: John Wiley & Sons.
- Hayward, D. G. (1975). Home as an environmental and psychological concept.
- Hillier, B. & Vaughan, L. (2007). The city as one thing,Progress in Planning, Progress in Planning, 67(3), 205-230.,(67), 205–230.
- Krohn, W., Layton Jr, E. T., & Weingart, P. (2012).The dynamics of science and technology: social values,technical norms and scientific criteria in the development of knowledge.V. 2. Berlin: Springer.
- Khan, K. S., Kunz, R., Kleijnen, J., & Antes, G. (2003). Five steps to conducting a systematic review. Journal of the royal society of medicine, 96(3), 118-121.
- Liberati, A., Altman, D. G., Tetzlaff, J., Mulrow, C., Gøtzsche, P. C., Ioannidis, J. P., ... & Moher, D. (2009). The PRISMA statement for reporting systematic reviews and meta-analyses of studies that evaluate healthcare interventions: explanation and elaboration. Bmj, 339.
- Moher, D., Liberati, A., Tetzlaff, J., & Altman, D. G. (2009). Preferred reporting items for systematic reviews and meta-analyses: the PRISMA statement. Bmj, 339.
- Moher, D, Page, M. J., McKenzie, J. E., Bossuyt, P. M., Boutron, I., Hoffmann, T. C., Mulrow, C. D. (2021). The PRISMA 2020 statement: an updated guideline for reporting systematic reviews. Systematic reviews, 10(1), 1-11.
- Oswald, F., Schilling, O., Wahl, H. W., Fänge, A., Sixsmith, J., & Iwarsson, S. (2006). Homeward bound: Introducing a four-domain model of perceived housing in very old age. Journal of environmental psychology, 26(3), 187-201.
- Page, M. J. (2021). E McKenzie J., Bossuyt PM, Boutron I., Hoffmann TC, Mulrow CD, Shamseer L., Tetzlaff JM, Moher D. Updating guidance for reporting systematic reviews: Development of the PRISMA 2020 statement. J. Clin. Epidemiol, 134, 103-112.
- Petticrew, M., & Roberts, H. (2006). Systematic reviews in the social sciences: A practical guide. John Wiley & Sons.
- Ramprasad, V., & Subbaiyan, G. (2017). Perceived indoor environmental quality of classrooms and outcomes: a study of a higher education institution in India. Architectural Engineering and Design Management, 13(3), 202-222.
- Rapoport,A (2000). Theory,Culture& Housing . Housing , Theory & Society. Volume 17(4):145-165.
- Rapoport,A (2005). Culture Architecture & Design. Locke science publishing company,Inc.
- Shahbazi, M. Bemanian, M. R. & Lotfi, A. (2018).A Comparative Analysis of Spatial Configuration in Designing Residential Houses Using Space Syntax Method (Case Studies: Houses of Isfahan and Modern Architecture Styles). Applied Arts Studies, 3(1), 21–40.
- Shahhosseini, H. (2014). Influence of Non-visual Factors on Visual Preferences of Visitors to Small Urban Parks in Tabraz, Iran. Selangor: Universiti Putra Malaysia.•
- Shahhosseini, H., Kamal, M., & Maulan, S. B. (2014).Determining sound, smell, and touch attributes in small urban parks using NGT. ALAM CIPTA, International Journal of Sustainable Tropical Design Research and Practice, 7(2), 3-16.
- Sixsmith, J. A., & Sixsmith, A. J. (1987). Empirical phenomenology: principles and method. Quality and Quantity, 21(3), 313-333.
- Stretch, D., Sofaer, N. (2012). How to write a systematic review of reasons. Journal of Medical Ethics, 38(2), 121- 126.
- Tversky, B. (1993). Cognitive Maps, Cognitive Collages, and Spatial Mental Models. In: Frank A.U., Campari I.Eds: Spatial Information Theory A Theoretical Basis for GIS. COSIT 1993. Lecture Notes in Computer Science,716. Springer, Berlin, Heidelberg.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/hafthesar.14.51.125]

Spatial Configuration of Contemporary Housing: A Systematic Review of Concepts and Thematic Contexts

Fatemeh Khodadadi Agh Ghal'e, *STUDENT Department of ARCHITECTURE, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.*
Alireza Bandarabad*, *Associate professor in Urban development Associate professor in Urban development, Islamic Azad University, Tehran, Iran.*
Azadeh Shahcheraghi, *Associate professor, Science and Research Branch Department of ARCHITECTURE, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.*

Received: 2023/8/19 *Accepted: 2024/4/7*

Extended abstract

Introduction: Considering the importance of housing as a reflection of residents' cultural and social values, and the growing expansion of scientific studies in the field of architectural psychology—especially in relation to housing—there is a pressing need to examine the trajectory of scholarly thought and research in this domain. A particular gap is observed in the intersection between spatial configuration and gendered perception of space. This study aims to conduct a systematic review of domestic research articles published between 2001 to 2024 that focus on the spatial configuration of housing. The goal is to analyze how this concept has been defined, what influencing factors have been identified, and to offer recommendations to improve the quality and generalizability of future studies in scholarly publications.

Methodology: The research adopts a qualitative approach using the systematic review method. In the initial search process, 55,064 studies were identified through structured filtering techniques, among which 2,747 belonged to the domain of arts and architecture. After detailed screening, 289 relevant articles were selected. Using the PRISMA statement as a methodological framework, the analysis focused on documents explicitly addressing housing configuration, encompassing both physical and psycho-perceptual dimensions.

Results: Findings revealed that the concept of "spatial configuration of housing" with an emphasis on gendered perception remains underexplored in existing literature. Most studies have focused on quantitative aspects, often disregarding gender differences in spatial experience. Of the 14 key thematic categories identified, the majority of research centered on "spatial structure" and "lived experience/place attachment," and predominantly employed qualitative (descriptive-analytical) methods. Moreover, while acknowledging the psychological nature of spatial configuration and its behavioral consequences, few studies have delved into its emotional, cognitive, or perceptual mechanisms. Researchers have primarily examined the human and spatial aspects of this connection, leaving theoretical and analytical gaps in understanding gendered perception and spatial meaning.

Conclusion: The current body of literature shows a concentration on certain dominant themes while overlooking the nuanced psychological and gendered dimensions of housing spatial configuration. The lack of theoretical frameworks related to gender perception and place has hindered the development of cohesive and generalizable findings. This review underscores the necessity for interdisciplinary and theory-driven approaches to enhance the depth and applicability of future research in this field.

Keywords: Spatial configuration, perception, gender, housing, contemporary, Tehran.

* Corresponding Author's E-mail: ali.bandarabad@iauctb.ir

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/hafthesar.14.51.125]